

تہمت در حکومت اسلامی

ریشه یابی احکام مہدورالعرض در فقہ و روایات شیعہ

قسمت اول



محسن کدیور

۱۴ بہمن ۱۳۹۷

تهمت در حکومت اسلامی

آیا شرعا مجاز است به کسی نسبت خلاف واقع بدهیم و با تهمت و بهتان آبروی او را بریزیم؟ ولو فاسق متجاهر یا اهل بدعت و شبهه باشد؟ مستند فتوای جواز تهمت این‌گونه افراد (به عنوان استثنا از حکم حرمت تهمت به عنوان گناه کبیره) چیست و از چه اعتباری برخوردار است؟ آیا فتوای جواز تهمت به افراد مذکور در کلیه مذاهب فقهی جاری است یا مختص فقه امامیه است؟ در فقه امامیه آیا جواز تهمت به اهل بدعت و شبهه اجماعی است یا اختلافی؟ پیشینه فتوای جواز تهمت از چه قرار است و مشخصا کدام یک از فقیهان چنین جوازی (چه به عنوان حکم اولی برای متجاهر به فسق و اهل بدعت و شبهه و چه از باب حکم ثانوی در تراحم مهم با اهم) صادر نکرده اند؟

موضع آقای خمینی چه در کتب فتوایی و چه در کتب استدلالی از جمله مکاسب محرمة چیست؟ نظر ایشان در مباحث ولایت فقیه (القا شده در بهمن ۱۳۴۸ در نجف) چه بوده و در ویرایشهای مختلف فارسی و عربی آن این نظر چگونه منعکس شده است؟ بر مبنای اجتهاد در مبانی و اصول حکم تهمت و بهتان مطلقا چیست و آیا استثنایی دارد؟ چرا مدرک بحث از اساس بی اعتبار و غیرقابل انتساب به پیامبر (ص) و امام صادق (ع) است؟ ساحت فقه اهل بیت را چگونه از اینگونه فتاوی بی پایه و ضداخلاقی تطهیر کنیم؟ نظام جمهوری اسلامی با کدام مبنا مخالفان و منتقدان شاخص خود را مهدورالعرض پنداشته به تهمت و بهتان و ساقط کردن آبروی آنها اقدام کرده و می کند؟

این تحقیق از یک زاویه ریشه یابی احکام مهدورالعرض در فقه و روایات شیعه است، و از زاویه دیگر بررسی تهمت در دروس حکومت اسلامی آقای خمینی بلکه در مطلق آراء ایشان است، و از منظر سوم پرداختن به فاجعه تهمت و بهتان نظام جمهوری اسلامی به منتقدان و مخالفان شاخص آن است. حجم این تحقیق در حد یک کتاب است، که ابتدا به تدریج در قالب چندین مقاله عرضه می شود و سپس در قالب کتاب منتشر خواهد شد انشاءالله.

تہمت در حکومت اسلامی

این تحقیق شامل سه باب و یک خاتمه است: باب اول پیشینه بحث در فقہ سنتی، باب دوم در آراء آقای خمینی، باب سوم بازخوانی مسئلہ بر مبنای اجتہاد در مبانی و اصول، و خاتمه مطالعہ موردی تہمت بہ یک منتقد است. بہ علت تقارن این ایام با ایام چہلمین سالگرد انقلاب ۱۳۵۷ مباحث باب دوم را در انتشار مقدم می کنم. این باب چہار فصل دارد: فصل اول آراء قم و بوسرا، فصل دوم درس حکومت اسلامی، ویرایش نجف، فصل سوم. کتاب حکومت اسلامی، ویرایش بیروت، و فصل چہارم. کتاب حکومت اسلامی، چاپہای تہران. بہ دلیل پیش گفته تقدم انتشار را بہ فصل دوم می دہم و بعد از انتشار فصول دوم تا چہارم بہ امید خدا فصل اول و بابہای اول و سوم منتشر خواهد شد.

این یک تحقیق مینیاتوری و ذرہ بینی است کہ گردآوری مدارک و تحلیل انتقادی آنها وقت فراوانی گرفتہ است. ہر کہ می پندارد نتیجہ آن نادرست است قلم بہ دست گیرد و مستندا و مستدلا نقد کند. در این قسمت صرفا بخش اول از فصل دوم فایل صوتی با صدای آقای خمینی زیر ذرہ بین رفتہ است. قسمت بعدی بہ درسہای حکومت اسلامی ویرایش نجف و سپس ویرایش بیروت و تہران خواهد پرداخت.

درسہای حکومت اسلامی، ویرایش نجف



آیا می توان به احدی بهتان یا تهمت زد؟ ولو به وابستگان رژیم سلطنتی و روحانیون درباری؟ آیا آنچه آقای خمینی در جلسات درسش در بهمن ۱۳۴۸ در نجف ابراز داشته از دهانش پریده یا سخنی سازگار با منظومه فقهی ایشان بوده است؟ آیا مطلب ابراز شده «حکم» موقت محدود به آخوندهای درباری بوده یا «فتوای» عامی شامل کلیه افراد مؤثر مخالف نهضت بلکه هر کسی که از او خطری جدی برای اسلام و مسلمین احساس می شود را در برمی گیرد؟ آیا ایشان هرگز از فتوای مذکور برگشته و تغییر عقیده داد؟ نظر یادشده ایشان در تقریرات مختلف دروس ولایت فقیه نجف چگونه منعکس شده و چرا عبارت اصلی مندرج در نسخه چاپ نجف از کتاب چاپ بیروت و به تبع آن از چاپهای ایران حذف شد؟

آیا نسخه چاپ بیروت و به تبع آن ایران به فتوای جواز بهتان به مخالف نهضت و نظام دلالت ندارد؟ با توجه به اینکه هیچیک از چاپهای ولایت فقیه (چاپهای نجف، بیروت و تهران) به قلم آقای خمینی نیست، و چاپ نجف و بیروت (و به تبع آن ایران) افزوده های فراوانی نسبت به فایل صوتی آقای خمینی دارد، تنظیم کنندگان و ویراستاران چاپهای نجف و بیروت چه کس یا کسانی بوده اند؟

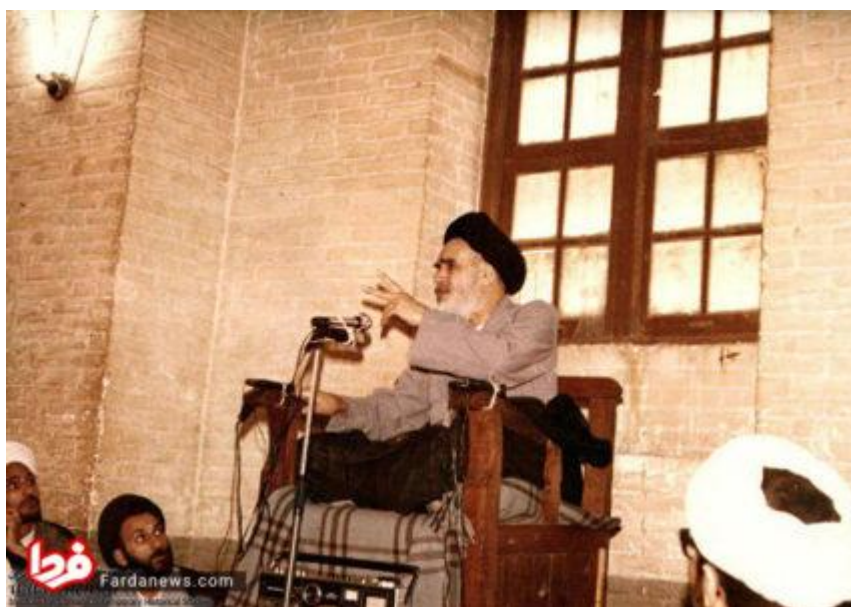
آیا این ویرایشها با رضایت و اذن آقای خمینی صورت گرفته است؟ آیا حذف و اضافه های جزئی توسط ویراستار صورت گرفته یا آقای خمینی شخصا در کلیه جزئیات خصوصا حذف عبارت مورد بحث نظر داده است؟ آیا عبارت مورد بحث موجود در چاپ نجف و محذوف در چاپهای بیروت و تهران هرگز در زمان حیات آقای خمینی یا بعد از وفات ایشان توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به نحوی از انحاء منتشر شده است؟ آیا مؤسسه مذکور نقشی در حذف عبارت مورد بحث از کتاب حکومت اسلامی داشته است؟

این فصل از تحقیق در پی پاسخ به بخشی از این پرسشهاست، پرسشهای مرتبط با چاپ نجف. به پرسشهای مربوط به چاپهای بیروت و تهران در دو فصل بعدی پاسخ داده می شود. کوشش می شود به این پرسشها و پرسشهای مشابه مستند، متکی به مدارک معتبر و بیطرفانه پاسخ داده شود. مقصود روشن شدن حقیقت است نه چیز دیگر. پیشاپیش از انتقادات اهل نظر استقبال می کنم.

تهمت در حکومت اسلامی

این فصل شامل پنج بخش به شرح زیر است: فایل صوتی با صدای آقای خمینی، نخستین متن کتبی حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، قرائت در رادیو فارسی عراق و پلی کپی در تهران، فتوای تهمت در عمل و نحوه واکنش آقای خمینی، محاضرات فقهیه حول الحکومه الاسلامیه او ولایه الفقیه.

بخش اول. فایل صوتی با صدای آقای خمینی



معتبرترین متن درسهای حکومت اسلامی: ولایت فقیه فایل صوتی آن با صدای آقای خمینی است. هیچیک از کتب حکومت اسلامی: ولایت فقیه چاپ نجف، بیروت و تهران به قلم آقای خمینی نیست و حذف و اضافات فراوان دارد. قبل از مقایسه این چاپها محتوای فایل صوتی و نحوه دلالت آن را باید مورد بحث و بررسی قرار داد. به طور مشخص این پرسشها را قرار است مستندا پاسخ دهم:

دروس حکومت اسلامی چه نسبتی با مباحث بیع یا مکاسب دارد؟ با توجه به اینکه آقای خمینی اجازه ضبط دروس کتاب بیع خود را به شاگردانش نداده است، دروس حکومت اسلامی: ولایت فقیه زیر مجموعه دروس

تهمت در حکومت اسلامی

کتاب البیع چگونه ضبط شده است؟ با توجه به اینکه آقای خمینی دروس خلل در نماز خود را بعد از ویرایش فایل صوتی اجازه تکثیر می داده است، آیا فایل‌های صوتی دروس حکومت اسلامی قبل از تکثیر ویرایش شده اند؟ آیا تکثیر و توزیع فایل‌های صوتی درس‌های حکومت اسلامی با هزینه، اذن و نظارت آقای خمینی و توسط اعضای دفتر ایشان در نجف صورت گرفته یا فعلی خودسرانه بوده است؟ این فایل‌های صوتی چگونه و در چه زمانی در ایران توزیع شده است؟

آیا دروس حکومت اسلامی پخش شده از رادیو معارف بین خرداد تا مرداد ۱۳۸۹ متن کامل این دروس بوده یا ناقص و سانسور شده است؟ آیا فتوای جواز تهمت به روحانیون درباری در ضمن درس هفتم حکومت اسلامی در تاریخ ۳ تیر ۱۳۸۹ از رادیو معارف پخش شده است یا نه؟ آیا فایل صوتی کامل و متن پیاده شده وفادار به فایل صوتی فتوای جواز تهمت به روحانیون درباری و جواز کتک زدن و خلع عمامه کردن آنها در دست است؟ دلالت فایل صوتی و متن کتبی پیاده شده آن درباره تهمت به روحانیون درباری و ضرب و جرح آنان چگونه است و با منظومه فکری آقای خمینی و فقه امامیه چه نسبتی دارد؟

این بخش شامل یک مقدمه، هشت بحث و جمع بندی است. عناوین بحث‌های هشت‌گانه به شرح زیر است: درس‌های حکومت اسلامی، ضبط درس‌های حکومت اسلامی، ویرایش فایل‌های صوتی دروس؟ تکثیر و توزیع فایل‌های صوتی دروس، دسترسی به فایل‌های صوتی دروس، فایل صوتی درس هفتم، متن کتبی فایل صوتی و دلالت بیانات آقای خمینی.

مقدمه. پیشینه مسئله روحانیون طرفدار رژیم



یکی از مباحث برجسته در دروس حکومت اسلامی نجف خصوصا درس هفتم آن چگونگی مواجهه با روحانیون طرفدار رژیم سلطنتی بوده است. اینکه قاعده در روحانیت شیعه حمایت از شاه و رژیم شاهنشاهی است یا برعکس قاعده در مخالفت با آن است اهمیت تبلیغاتی درجه اولی در آن دوران داشته است. حکومت ایران می کوشید به هر شکل ممکن نشان دهد که روابط حسنه ای با مراجع تقلید، حوزه های علمیه، و روحانیون شیعه دارد و قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ و اعتراض آقایان حسن قمی و بهاء الدین محلاتی و از همه مهمتر اعتراضات مکرر آقای خمینی استثنا بوده والا قاعده همراهی روحانیت و حمایت تمام عیار از تنها رژیم شیعه جهان است. برگزاری مراسم سلام رسمی در اعیاد مذهبی در کاخ سلطنتی و تفقد مقام ملوکانه از روحانیون حاضر در این مجالس و پخش گسترده فیلم و عکس آنها در رسانه های حکومتی جایگاه مهمی در تبلیغات رسمی پانزده سال آخر رژیم شاهنشاهی داشته است. شرکت کنندگان در این مراسم روحانیون درجه چندم بوده اند از قبیل امام جمعه منصوب حکومت، و برخی وعاظ و منبری هایی که از طریق اوقاف تحت نظارت حکومت ارتزاق می کردند (آخوندهای اوقافی). این قبیل روحانیون فاقد پایگاه اجتماعی بوده اند.

تهمت در حکومت اسلامی

در مقابل آقای خمینی هم می کوشید که نشان دهد که اعتراض به شاه و نظام شاهنشاهی به عنوان والی جائز و نظام جائز یک قاعده دینی در فقه شیعه است، و کسانی که از این قاعده تخطی می کنند استثنا هستند. روحانیون متخلف یعنی کسانی که علنا مروج نظام شاهنشاهی یا ثناگوی شاه هستند باید از جامعه روحانیت طرد شوند و مؤمنان به آنها رجوع نکنند و از آنها تبری جویند. به میزانی که نظام شاهنشاهی از روحانیون وابسته به خود در تبلیغات نمایشی بیشتر استفاده می کرد برخورد آقای خمینی با این گروه از روحانیون حادثتر می شد. قدیمی ترین سندی که در این زمینه قابل ذکر است به نیمه دوم سال ۱۳۴۶ یا اوایل فروردین ۱۳۴۷ بر می گردد. آقای خمینی در قدم اول محدودیتهای شدیدی برای شبکه روحانیونی که در شهرهای مختلف خصوصا تهران از وی اجازه یا وکالت داشتند تعیین می کند.

«در سال ۴۶ و ۴۷ گزارشهایی برای امام [خمینی] آمده بود که کسانی که از شما اجازه یا وکالت دارند، گاهی اتفاق می افتد که از شاه و حکومت و رژیم تعریف و تمجید می کنند. حضرت امام [خمینی] در پاسخ فرمودند: هر کس با شاه و رژیم و دربار ساواک همکاری کند و آنها را تایید نماید، اجازه وکالتش فاقد اعتبار است و از طرف من دیگر مجاز نیست و وکیل نمی باشد. و حتی خطر چنین افرادی را امام برای مجتمع اسلامی آنقدر بالا می دانست که گفتند باید با اینها برخورد کنید.» (۱) علی اکبر محتشمی پور عضو دفتر آقای خمینی در نجف در ادامه می افزاید: «آنقدر حضرت امام [خمینی] نسبت به علمای سوء و درباری نفرت داشتند و وجود آنها را برای کیان اسلام و مسلمین مضر می دانستند که با موافقت و توصیه خود معظم له متن سوالی مبنی بر اینکه کسانی که سابقا از حضرت عالی اجازه سهم مبارک امام (ع) داشته اند و در منابر بیاناتی به نفع دستگاه حاکمه و بر خلاف شرع ... از آنها سرزده آیا همچنان براجازه خود باقی هستند و می شود به آنان سهم مبارک امام (ع) داد یا خیر؟

حضرت امام پاسخ صریحی مکتوب فرمودند: «بسمه تعالی. کسانی که از دستگاه ظلم تأیید کرده اند یا می کنند و بر خلاف شرع مطهر عمل می کنند، اگر اجازه ای از این جانب دارند، از درجه اعتبار ساقط است و

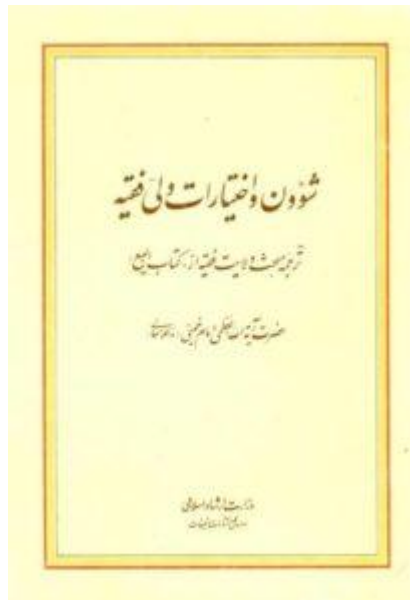
تَهْمَت در حکومت اسلامی

مؤمنین به آنها و مومنین به آنها از وجوه شرعیه خصوصاً سهم مبارک امام (ع) ندهند. «اعاذنا الله تعالى من

شُرُورِ أَنْفُسِنَا» [خداوند ما را از بدیهای نفس خویش پناه دهد] روح الله الموسوی الخمینی، (۲)

آقای خمینی به نقش کلیدی سهم امام (بخشی از خمس) به عنوان شریان حیات اقتصادی روحانیت شیعه توجه داشته و با تهدید صریح این دسته از روحانیون به قطع رگ حیات اقتصادیشان به مؤمنان اعلام می کند به این گونه روحانیون وجوهات شرعیه ندهند. این حربه بسیار مهمی بوده است. با عدم مراجعه مؤمنان بازار این گروه روحانیون وابسته کساد می شده است. لذا اهمیت این استفتا را نباید دست کم گرفت. کدام یک از وکلا یا ماذونین آقای خمینی در تهران چنین خبطی مرتکب شده بودند؟ نام و نشان این وکلا در دست است، (۳) اما اینکه کدام یک چنین کرده بودند بر نویسنده پوشیده است.

اما اکثر روحانیون شیعه نه وابسته به حکومت و مؤید و حامی رژیم سلطنتی بودند، و نه قائل به وجوب مبارزه با آن به عنوان یک تکلیف شرعی یا حداقل اهل مبارزه اگر حکومت و شاه را هم نامشروع می دانستند. در حقیقت بر خلاف تبلیغات شاهنشاهی و نیز اظهارات آقای خمینی اکثریت قریب به اتفاق روحانیت شیعه - حداقل در آن زمان - اهل سکوت و انفعال سیاسی بودند. لذا قاعده نه با روحانیون وابسته بود نه با روحانیون مبارز. هر دو گروه استثنا بودند. نظام شاهنشاهی می کوشید تا استثناهای روحانیون وابسته را به قاعده تبدیل کند یا حداقل اینگونه نمایش دهد. آقای خمینی هم می کوشید تا استثنای روحانیون مبارز را به قاعده تبدیل کرده و تعمیم و به کل روحانیت تسری دهد. آنچنان که خواهیم دید آقای خمینی برخورد با این گروه از روحانیون را در زمستان سال ۱۳۴۸ به شدت تند می کند. الگویی که در پس ذهن ایشان بوده روحانیت شیعه با تأیید علنی رژیم شاه سازگار نیست. هر که شاه را تأیید کند از مزایای روحانیت (از قبیل پوشیدن لباس خاص و امکان ارتزاق از وجوهات شرعیه) بلکه از آن مهمتر از آبرو ساقط می شود. ایشان در درسهای حکومت اسلامی بهمن ۱۳۴۸ در هر دو ناحیه مجوزهای شرعی جدیدی به پیروان خود می دهد که موضوع این تحقیق است.



بحث اول. درسهای حکومت اسلامی

آقای خمینی در زمان تبعید در عراق که آخرین دوره تدریس در زندگی ایشان محسوب می‌شود سه موضوع را تدریس کرده است: بیع، خیارات و خلل صلوة. ایشان کتاب بیع را از آبان ۱۳۴۴ تا اوایل تابستان ۱۳۵۱ و بحث خیارات (اختیار فسخ بیع) را از پائیز ۱۳۵۱ تا بهار ۱۳۵۵، و بحث خلل نماز که آخرین تدریس وی است از پائیز ۱۳۵۵ آغاز کرده، به دلیل فشار دولت عراق در مهر ۱۳۵۷ موفق به ادامه تدریس نمی‌شود. آقای خمینی مطابق عادت بحث‌های خود را هم‌زمان با تدریس شخصا به رشته تحریر درمی‌آورد. تاریخ اتمام نگارش کتاب البیع در سه جلد، تیر ۱۳۵۱، جلد اول خیارات خرداد ۱۳۵۳، و جلد دوم آن اردیبهشت ۱۳۵۵ است. این پنج جلد با عنوان کتاب البیع ظاهراً قبل از خروج ایشان از نجف منتشر شده است. این مجموعه در سال ۱۳۷۹ توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در تهران با تصحیح جدید منتشر شده است. (۴)

بحث ولایت فقیه در جلد دوم این مجموعه است. (۵)

تهدت در حكومت اسلامي

بحث حكومت اسلامي يا ولايت فقيه چه ارتباطي به مباحث فقهي دارد. از زبان يكي از شركت كنندگان در درس بشنويم: «مساله حكومت اسلامي كه امام [خميني] فرمودند چه تناسبى با بحث مكاسب داشت؟ زيرا امام مكاسب مى فرمودند، مكاسب يعنى تجارت، بحث تجارت امام چه ربطى به حكومت اسلامي دارد؟ چطور شد امام به يك باره وارد بحث حكومت اسلامي شدند؟ ... حكومت اسلامي بحث ولايت است و بحث ولايت، ولايت پدر بر صغير، بحث اولادش و يا وليّ كه دادگاه تعيين مى كند براى افرادى كه وليّ قهرى ندارند. اين يكي از مباحثى است كه در مكاسب مطرح است، بنابراين ولايت پدر و ولايت معتمدین، ولايت كسى كه از طرف دادگاه تعيين مى شود براى صغار و هم چنين بحث ولايت فقيه هم به اين مناسبت مى آيد. بنابراين اين بحث ولايت فقيه يك بحث بيگانه اى از بحث مكاسب نيست، بلكه در متن مكاسب هست و مرحوم شيخ [مرتضى] انصاري هم اين بحث را مطرح كرده است.» (۶)

بحث ولايت فقيه بحث از افراد نيازمند به وليّ شرعى است، افرادى كه خود صلاحيت تصدى امور خود را ندارند از قبيل افراد صغير، مجنون و غيررشيد و بطور كلى افراد محجور. محجوريت و قيمومت مى تواند در حوزه خصوصى يا حوزه عمومى باشد. ولايت فقيه با محجوريت عوام در حوزه عمومى تلازم دارد. (۷)

بحث دوم. ضبط درسهائى حكومت اسلامي

آيا دروس آقاى خمينى ضبط مى شده است؟ به نظر مى رسد كه مباحث كتاب البيع به استثنائى ولايت فقيه بنا بر ضبط نبوده و ضبط صوتى نشده است. (۸) اما جلسات ولايت فقيه با برنامه ريزى قبلى براى تكثير فايلهاى صوتى همانند سخنرانىهاى آقاى خمينى ضبط شده است. به گزارش سه نفر از حاضران در درس از اعضاى دفتر آقاى خمينى در نجف توجه كنيد:

گزارش اول: «طرح بحث حكومت اسلامي در نجف: در بهمن سال ۱۳۴۸ بحث بيع حضرت امام به موضوع ولايت فقيه رسيد. ايشان پيغام دادند كه به دوستان من بگوئيد ضبط صوت بياورند. ما در ابتدا فكر مى كرديم

تهدت در حكومت اسلامي

كه يك مسئله سياسي اتفاق افتاده است و امام مي خواهد سخنراني كنند. بعدا متوجه شديم موضوع فراتر از اين است. و امام بحثهاي زيربنايي فقه را در باب حكومت اسلامي مطرح نمودند و با طرح اين مباحث افق حركت و مبارزه را روشن و شفاف ساختند.» (۹) و نيز «حضرت امام طبق معمول در مواقعي كه موضوعات سياسي يا حادثه مهمي اتفاق مي افتاد و قرار بود موضع گيري داشته باشند دستور مي دادند دوستان ضبط صوت آورده و صحبتهاي ايشان را ضبط مي كردند. قبل از شروع مباحث ولايت فقيه دستور دادند كه اين سخنان ضبط شود. لذا اين موضوع كه امام سخنان مهمي خواهند كرد، در نجف منعكس خواهند كرد در نجف منعكس شد. افراد مختلف (موافق و مخالف) براي استماع سخنان ايشان در محل مسجد شيخ انصاري شركت كردند.» (۱۰)

گزارش دوم: «امام [خميني] از يك فرصت خيلي مغتنم و در اوج مخالفتهاي دو رژيم [شاهنشاهي ايران و بعثي عراق] استفاده كردند و مباحث ولايت فقيه را در نجف عنوان كردند. از قبل دوستان مطلع بودند كه قرار است امام اين مبحث [ولايت فقيه] را مطرح كنند، لذا ضبط صوتي تهيه شد و نوارها پياده شد. (۱۱)

گزارش سوم: «يك شب حجت الاسلام و المسلمین آقای غروي فرمودند كه فردا براي ضبط درس امام، ضبط صوت بياوريد. ما تعجب كرديم چون امام اجازه نمي دادند كه درسشان ضبط بشود. ولي پيغام دادند كه فردا بگوييد كه ضبط صوت بياورند. خوب من يك ضبط بزرگ و خوبي از كويت تهيه كرده بودم آن ضبط را آوردم و يك نفر را هم مامور كرديم كه مواظب ضبط باشد كه اگر نوار تمام شد نوار را عوض بكند يا مواظب برق مسجد و بقيه جهاتي كه در رابطه با ضبط هست باشد. نمي دانستيم كه امام چه مي خواهند بگويند كه فرمودند ضبط بياوريد. طلاب هم همه آماده بودند. امام وقتي تشريف آوردند شروع كردند، مقدمه بحث حكومت اسلامي را گفتند كه يك سخنراني تاريخي مفصل در لزوم حكومت اسلامي و دولت اسلامي ايشان بيان كردند.» (۱۲)

تَهْمَت در حکومت اسلامی

حتی اسم طلبه ای که مسئول ضبط بوده هم مشخص است: «امام زمانی که برنامه سخنرانی داشت دستور می فرمود که ضبط بیاورید. اوایل آقای سید هادی موسوی درس های حکومت اسلامی را ضبط می کرد که بعد چاپ و تکثیر می شد.» (۱۳)

این درسها دوازده جلسه بوده که از اول تا نوزدهم بهمن ۱۳۴۸ در مسجد شیخ انصاری محله "خَویش" نجف اشرف القا شده است. درباره تعداد جلسات نکات بیشتری است که در بخشهای بعدی به آن اشاره خواهد شد. ساعت تدریس دو ساعت به ظهر (ساعت ده صبح) و زمان آن حدود پنجاه دقیقه و پنج روز در هفته بوده است. (۱۴) تردیدی نیست که دروس حکومت اسلامی با اذن بلکه برنامه ریزی آقای خمینی توسط اعضای دفترش ضبط شده تا امکان تکثیر و توزیع داشته باشد، برخلاف دیگر مباحث کتاب بیع که ایشان اجازه ضبط نداده بود.

بحث سوم. ویرایش فایل‌های صوتی دروس؟

آیا فایل‌های صوتی دروس توسط آقای خمینی ویرایش می شده است؟ پاسخ مثبت است. به گزارش ویراستار صوتی دروس نجف توجه کنید: «ضبط نوارها و مخابره به ایران: درس های خلل الصلوة را به طور کامل ضبط کردم، یعنی تا آخر درس هایی که امام فرمود به این وسیله ضبط شد. روال کار این گونه بود که بعد از سخنرانی که ساعت ده شروع می شد من ابتدا نوار را به منزل برده و بازنگری می کردم و قبل از اذان ظهر به منزل امام می بردم تا نوار را گوش دهند. گاهی می فرمود مثلا فلان کلمه این طور است که آن را روی یک تکه کاغذ می نوشت که فلان کلمه حذف شود یا فلان جمله حذف شود دوباره ساعت سه و نیم بعد از ظهر می رفتم و نوار را می گرفتم و آن را اصلاح می کردم و در اختیار برادران می گذاشتم که به ایران مخابره کنند. نوارها را به این شکل جمع آوری و سعی می کردم که کلکسیون نوارها را حفظ کنم. حالا چه اتهاماتی به من می زدند، بماند. چون می دانستم اگر انسان خواسته باشد در این مسیر، کار مثبتی بکند

بالاخره همه جور مسایل هست، همه جور اتهامات خواهد بود، ولی من اعتنا نمی کردم. نوارهایی را که تکثیر می کردم گاهی در اختیار زوار قرار می دادم، گاهی هم مغز نوار را به صورت فرض کنید یک بسته شکلات می پیچیدم و زوار با خود به ایران می آوردند به این شکل سعی می کردم نوارهای امام را به طور مستقیم و غیرمستقیم به ایران برسانم. نوارهای اصلی را هم خودم نگه می داشتم. در این نوارها اگر جمله ای حذف شده است، دستور خود امام است و الا کس دیگری دخل و تصرفی به هیچ عنوان در فرمایشات امام نداشته است.» (۱۵)

اما این ویرایش مربوط به درسهای دو سال آخر نجف است. آیا دروس سالهای قبل هم همین گونه ویرایش می شده است؟ اصولاً دروس قبلی یعنی کتاب البیع ضبط صوتی نمی شده تا نیاز به ویرایش داشته باشد! دروس حکومت اسلامی مشمول عنوان سخنرانی بوده است. آقای خمینی اولاً شاگردانش را قبلاً مطلع می کرد که فلان روز سخنرانی داریم و شاگردان تدارک ضبط صوتی را می دیدند. ثانیاً هیچ مدرکی در دست نیست که ایشان نیازی به ویرایش صوتی سخنرانی‌ها دیده باشد یا کسی را مسئول ویرایش نموده باشد. به عبارت دیگر اصولاً این جلسات با برنامه قبلی تکثیر و توزیع نوار صوتی تدارک می شده، و ایشان گفتارش را متناسب با مخاطبان عمومی تنظیم می کرده و نیازی به ویرایش نمی دیده است. چه بسا امکان فنی ویرایش صوتی هم در آن زمان فراهم نبوده یا شاگردان ایشان در آن زمان از آن مطلع نبوده اند. ثالثاً هیچ مدرکی دال بر ویرایش فایل صوتی دروس ولایت فقیه در دست نیست. پس فایل صوتی این دروس در آن زمان توسط دفتر آقای خمینی ویراستاری نشده و ایشان نیازی به ویرایش نمی دیده است.

بحث چهارم. تکثیر و توزیع فایل‌های صوتی دروس

یکی از طرق ترویج افکار آقای خمینی پخش نوارهای ضبط شده ایشان در ایران و خارج از ایران بود. نوارهای سخنرانی ایشان به سرعت تکثیر و توزیع می شد. نوارهای دروس حکومت اسلامی نیز همانند سخنرانی‌های

تهدت در حكومت اسلامي

ايشان وارد شبكه گسترده مردمی زیرزمینی تکثیر و توزیع شد و به سرعت در ایران و خارج از ایران پخش شد. به گزارش یکی از اعضای دفتر آقای خمینی در نجف در این زمینه توجه کنید:

«موقعیت بسیار مناسبی بود که در آن ایام امام در نجف اشرف با فراغتی که داشتند، توانستند طرح حکومت اسلامی را بریزند و بلافاصله جزوه‌های آن را چاپ کردیم ... ما یک هیاتی داشتیم که یکی از اعضای آن حجت الاسلام محمد طاووسی بود. آن موقع ضبط صوت فراوان نبود، در بین دوستان گفتیم هر کسی ضبط صوت دارد بیاورد. در منزل ما یک اتاقی را مخصوص ضبط صوت ترتیب داده بودیم و ضبط صوتهای فراوانی آنجا گذاشته و نوارها را تکثیر می کردیم. دوازده تا درس بود، دوازده تا نوار را ما آماده کردیم و برای خارج از کشور فرستادیم. مسئول این کار آقای طاووسی بود که این کار را ايشان به خوبی انجام دادند و بعد نوارها را به طور مرتب دسته بندی می کردند. جزوه ها هم که تکمیل شد به وسیله مسافران به ایران و به خارج از کشور به امریکا و به انگلستان و آلمان و فرانسه و تمام جاهایی که ما دانشجو داشتیم فرستادیم.» (۱۶)

بنابراین نوار صوتی دوازده درس حکومت اسلامی در نجف تکثیر شده است. این نوارها از نجف به ایران و خارج از ایران ارسال شده است. زمان ارسال همزمان با آماده شدن جزوات کتبی این درسها بوده که مطابق اطلاعات مستندی که در بخش بعدی ارائه می شود نخستین زمان پخش انبوه نوارها مراسم حج ذیحجه ۱۳۸۹ بوده. عید قربان آن سال مصادف با ۲۳ بهمن ۱۳۴۸ بوده است. به زبان دیگر در هفته آخر بهمن ۱۳۴۸ نوارهای صوتی دروس دوازده‌گانه ولایت فقیه به ایران رسیده و در اسفند همان سال به بعد در شهرستانهای مختلف بازتکثیر و توزیع شده است. بر همین منوال در همین حوالی در کویت و بیروت و به تبع آن در اروپا و آمریکا نیز این نوارها توزیع شده است.

هزینه تکثیر و توزیع فایل‌های صوتی دروس حکومت اسلامی از سوی آقای خمینی پرداخت می شده است. این تکثیر و توزیع با اشراف عالی ايشان و با نظارت مصطفی خمینی توسط طلاب جوان عضو دفتر ايشان صورت می گرفته است. اگر ايشان با محتوای دروس القا شده خود موافق نبود قطعاً تذکر می داد و از تکثیر و

توزیع آن ممانعت به عمل می آورد. درس ہفتم کہ جزئیات ان خواهد آمد در زمرہ ہمین دروس تکثیر و توزیع شدہ است.



بحث پنجم. دسترسی به فایل‌های صوتی دروس

این فایل‌های صوتی به شکل پراکنده در دست علاقه‌مندان مباحث آن دوران موجود است. اما در دی ۱۳۸۶ رادیو معارف خبر داد کہ «تنها ۸۳ جلسہ از درس خارج حضرت امام خمینی (ره) را توانستہ‌ایم به دست آوریم. این نوارها به دست شخصی جمع‌آوری شدہ بود کہ در زمان سلطہ بعثی‌ها بر عراق آن‌ها را در زیرزمین منزلش دفن کردہ بود و پس از سقوط صدام نوارها را بیرون آورده است. یازدهم بہمن ماہ [۱۳۸۶] و ہمزمان با آغاز دہہ فجر، پخش درس خارج حضرت امام خمینی (ره) با نام فقہ آفتاب، از رادیو معارف آغاز خواهد شد.» (۱۷)

در اردیبهشت ۱۳۸۹ مدیر رادیو معارف از پخش مباحث ولایت فقیہ از نظر امام خمینی (ره) خبر داد: «در پی پخش درس خارج فقہ حضرت امام (ره) از رادیو معارف، یکی از شاگردان آن حضرت مجموعہ درس‌های

تہمت در حکومت اسلامی

ولایت فقیہ ایشان کہ در سال ۱۳۴۸ در نجف اشرف مطرح شدہ را بہ این رادیو ہدیہ کرد. کیفیت فنی این مجموعہ اصلاح شد و در آستانہ بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رہ) این مجموعہ توسط گروہ فقہ و سیرہ رادیو پخش می‌شود. این مجموعہ شامل ۱۳ جلسہ است کہ برای اولین بار از رسانہ ملی پخش می‌شود.» (۱۸)

بالاخرہ در خرداد ۱۳۸۹ بار دیگر رادیو معارف خبر داد: «حضرت امام خمینی (رہ) در ایامی کہ نجف اشرف حضور داشتند در درس خارج فقہ خود مباحثی در خصوص مبانی حکومت اسلامی و مشخصا بحث ولایت فقیہ مطرح کردند. این یک دور اندیشی و پیش بینی بود کہ حضرت امام (رہ) از تشکیل حکومت اسلامی و از بین رفتن نظام طاغوتی در ایران داشتند و با ژرف نگری خودشان این بحث فقہی را مطرح کردند و طلاب را نسبت بہ این موضوع حساس کردند. ما در رادیو معارف تلاش زیادی انجام دادیم تا نوارهای این درس را از یکی از علاقمندان بہ حضرت امام (رہ) بدست آوریم و برای شنوندگان فرہیختہ رادیو معارف آمادہ پخش کنیم. درس خارج فقہ ولایت فقیہ حضرت امام (رہ) کہ در نجف اشرف ایراد شدہ، در ۱۲ برنامه ی یک ساعته تہیہ شدہ است کہ پنجشنبه ہا بعد از خبر ۲۱ رادیو معارف در برنامه فقہ آفتاب پخش خواهد شد. همچنین تکرار این برنامه شنبہ ہا ساعت ۶ صبح پخش می شود. از تمام اساتید و نخبگان حوزہ و دانشگاه، و عموم مردم عزیز کشور اسلامی خصوصا جوانان جویای حقیقت تقاضا می کنم کہ شنونده این برنامه باشند تا با شنیدن این برنامه، بدون واسطہ و بدون حاشیہ، نظر حضرت امام را بہ عنوان معمار نظام اسلامی و حکومت در خصوص ولایت مطلقہ فقیہ بدانیم کہ چہ بودہ است. گفتنی است برنامه فقہ آفتاب بہ تہیہ کنندگی حجت الاسلام محمدمہدی صفایی و توسط گروہ فقہ و سیرہ رادیو معارف تہیہ و آمادہ پخش شدہ است.» (۱۹)

تعداد این دروس که در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ سیزده جلسه بود، در خرداد همان سال به دوازده جلسه کاهش یافت، و در نهایت تنها یازده جلسه از این دروس در خرداد تا مرداد ۱۳۸۹ از رادیو معارف بیشتر پخش نشد! و معلوم نشد جلسه دوازدهم و سیزدهم چه شده است. (۲۰)

ضمناً چنانکه در بحث بعدی خواهیم دید «اصلاح» این فایل‌های صوتی، بیش از اصلاح کیفیت صدا بوده، و به حذف بخش‌های مهمی از این دروس تاریخی البته بدون کمترین توضیحی انجامیده است. به عبارت دیگر این درسها ناشیانه سانسور شده و ناقص پخش شده است.

بحث ششم. فایل صوتی درس هفتم

جلسه هفتم دروس ولایت فقیه آقای خمینی در تاریخ چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۴۸ مطابق با ۲۳ ذیقعدہ ۱۳۸۹ در حوزه نجف القاء شده است. فایل صوتی این درس با عنوان «درس ولایت فقیه امام خمینی، جلسه هفتم، روایت پیامبر: العلماء أمناء الرسل» در سلسله برنامه «فقه آفتاب» که در تاریخ پنجشنبه ۳ تیر ۱۳۸۹ ساعت ۲۱ و ۱۵ دقیقه از رادیو معارف جمهوری اسلامی پخش شده، و در ساعت ۶ و ۲۰ دقیقه صبح شنبه ۵ تیر ۱۳۸۹ از همان رادیو بازپخش شده است، این فایل صوتی را اینجا می‌توانید گوش کنید. (۲۱) حوالی دقیقه ۴۴ تا ۴۶ ان به بحث جواز تهمت و ضرب روحانیون درباری اختصاص دارد.

متأسفانه این فایل صوتی بدون هیچ توضیحی سانسور شده و متن کامل این درس نیست. به عبارت دیگر پنج دقیقه آخر پخش شده از رادیو معارف مطمئناً ناقص است. در بحث بعدی عبارات محذوف از آنچه آقای خمینی به زبان رانده مشخص شده است. در این قسمت، فایل رادیو معارف فاقد مطلب ابتدایی و انتهایی بحث مذکور است، اما خوشبختانه عبارت جواز بهتان به آخوندهای وابسته را واجد است، و از آن حذف نشده است. سانسورکنندگان فایل صوتی پخش شده از رادیو معارف فرمان کتک زدن آخوندهای درباری و برداشتن عمامه آنها را از سوی آقای خمینی را مجاز به پخش ندانسته‌اند، اما در پخش جواز بلکه وجوب تهمت به

تهمت در حکومت اسلامی

همان افراد هیچ اشکالی ندیده اند! و این سقف دانش، شعور و درایت مدیران فرهنگی نظام جمهوری اسلامی است.

یک سال بعد از پخش متن اصلاح شده (بخوانید سانسور شده) این درسها از صدای جمهوری اسلامی، در تیر ۱۳۹۰، بخش محذوف آن جداگانه به عنوان «سخنرانی غیرقابل پخش امام خمینی» در کانال یوتیوب نصب شده است. فایل صوتی دو دقیقه و ۲۲ ثانیه‌ای از اواخر درس هفتم بحث ولایت فقیه آقای خمینی را می‌توانید اینجا گوش کنید: (۲۲)

آنچه در دست است یکی فایل پخش شده از رادیو معارف است. این نسخه ۴۱ دقیقه و ۱۵ ثانیه است (از دقیقه ۴ و ۴۷ ثانیه تا ۴۶ و ۲ ثانیه). دیگری قطعه‌ای از اواخر این درس است. به مدت ۲ دقیقه و ۲۲ ثانیه. منتشرکننده فایل اخیر صوتی درست یک سال بعد از فایل قبلی فاقد اسم حقیقی است.

صدای همه این فایل‌های صوتی صدای آقای خمینی است، یقیناً. اینکه در فایل صوتی دو دقیقه و ۲۲ ثانیه‌ای چیزی از اواسط آن حذف نشده ظاهراً چنین است، هرچند نظر یقینی را زمانی می‌توان ابراز کرد که فایل صوتی کامل را در دست داشته باشیم. در هر حال انتساب آنچه در این دو فایل در دست است به آقای خمینی یقینی است. قطعه مرتبط با جواز تهمت که در هر دو فایل صوتی مشترک است یقیناً و قطعاً بیانات ایشان است. لذا در انتساب آن به ایشان هیچ تردیدی نیست.

فایل صوتی دروس ولایت فقیه آقای خمینی تا کنون از سوی دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی منتشر نشده است. چرا؟! به جای انتشار بسیاری مطالب کم ارزش تبلیغاتی آنچه جایش کاملاً خالی است متن سانسور نشده این دروس تاریخی است. فایل صوتی کامل این دروس علی القاعده باید در این دفتر وجود داشته باشد.

بحث هفتم. متن کتبی فایل صوتی

متن پیاده شده بدون هرگونه ویرایش فایل صوتی دو دقیقه و ۲۲ ثانیه ای را می توانید در پاورقی بخوانید.

(۲۳) همینگونه قطعه مرتبط پخش شده از رادیو معارف را. (۲۴) در قطعه مورد بحث رادیو معارف ۱۹۹ کلمه آقای خمینی را بدون هرگونه توضیحی حذف کرده است. همین قطعه با ویرایش بسیار جزئی در حد تبدیل آن به یک متن نوشتاری قابل فهم و کاملا وفادار به فایل صوتی بدون هیچگونه حذف و اضافه:

«خدا می داند که از اول اسلام تا حالا از علمای سوء چه مصیبتها بر اسلام وارد شده است؛ ابوهیریه یکی از فقهاست، لکن به واسطه همین مرد چقدر مصیبت بر اسلام وارد شد، و چقدر او احکام را برای خاطر معاویه و امثال معاویه به هم زد. یک عمامه سرش گذاشته و امثال ذلک، یا چهارتا کلمه هم اینجا یا جای دیگر خوانده و رفته است. اینها ایند که وضعیت اسلام را به هم زدند و می زنند و لکه دار می کنند. در این روایت است که از دینتان از این افراد بترسید، اینها دین را از بین می برند. این است که در یک روایتی است که غیبتشان جایز است، در بعضی [روایات] - که من الآن یادم نیست کجاست - هست که تهمت هم به آنها [جایز است]. تهمتی که از گناهان کبیره است، در چنین مواردی گاهی جایز می شود، و گاهی وقتها هم واجب می شود؛ [تا] این آخوند اگر آبرو داشته باشد، در جمعیت ساقط شود. اگر این [آخوند] در جمعیت ساقط نشود، امام زمان را ساقط می کند، اسلام را ساقط می کند. اینها را باید ساقطشان کرد. جوانهای ما باید عمامه‌شان را بردارند. من نمی دانم [آیا] جوانهای ما در ایران مرده اند؟ عمامه اینها را باید بردارند. من نمی گویم [آنها را] بکشند! قابل کشتن نیستند، عمامه‌شان را در کوچه ها بردارند. چرا جوانهای ما مرده اند؟! ما که بودیم این جور نبود. امثال اینهایی که به اسلام اینجور دارند لطمه وارد می کنند، به اسم فقهای اسلام، به اسم علمای اسلام، دارند اینجور مفسده ها را در جوامع ما ایجاد می کنند، مردم موظفند، جوانهای غیور ما موظفند، که اینها لازم نیست خیلی کتکشان بزنند! لکن خوب عمامه‌شان را بردارند، نگذارند اینها [بین] مردم معمم بیایند. عمامه شان را بردارند، نگذارند [با عمامه] بیایند. این لباس، شریف است، نباید تن هر کسی باشد.»

این متن بیانات آقای خمینی در مجلس درس ایشان و معتبرترین روایت از فتوای جواز تهمت است.

تهمت در حکومت اسلامی

«خدا می داند که از اول اسلام تا حالا از علمای سوء چه مصیبتها بر اسلام وارد شده است؛ ... اینها ایند که وضعیت اسلام را به هم زدند و می زنند و لگه دار است که از دینتان از این می کنند. در این روایت افراد بترسید، اینها دین را از بین می برند. این است که در یک روایتی است که غیبتشان جایز است، در بعضی [روایات] - که من الآن یادم نیست کجاست - هست که تهمت هم به آنها [جایز است]. تهمتی که از گناهان کبیره است، در چنین مواردی گاهی جایز می شود، و گاهی وقتها هم واجب می شود؛ [تا] این آخوند اگر آبرو داشته باشد، در جمعیت ساقط شود. اگر این [آخوند] در جمعیت ساقط نشود، امام زمان را ساقط می کند، اسلام را ساقط می کند. اینها را **باید ساقطشان کرد.**»

جلسه هفتم درسهای حکومت اسلامی: ولایت فقیه مورخ ۱۱ بهمن ۱۳۴۸ نجف

بحث هشتم. دلالت بیانات آقای خمینی

آقای خمینی در قطعه مورد اشاره درس خود به نکات زیر اشاره کرده است:

یک. علمای سوء عامل مصیبت اسلام بوده اند و بسیاری احکام شرعی را به خاطر خوش آمد قدرت وقت عوض کرده اند. ابوهیریه مصداق بارز چنین علمایی است.

دو. در روایت «الفقهاء امناء الرسل» (که موضوع محوری درس هفتم بوده است) آمده که وقتی فقها از سلاطین تبعیت کردند نسبت به دین خودتان از ایشان حذر کنید و بترسید. (۲۶) این گونه فقها دین خدا را از بین می برند.

سه. در روایتی است که غیبتشان جایز است. مراد ایشان روایات جواز غیبت «فاسق متجاهر» است، که به تفصیل درباره آنها در کتاب المکاسب المحرمه خود در سال ۱۳۳۹ش بحث کرده است. (۲۷) آخوندهای

درباری از مصادیق متجاهرین به فسق محسوب شده اند.

چهار. در برخی روایات آمده که تهمت به اینگونه افراد جایز است، تهمتی که گناهان کبیره است، در چنین مواردی گاهی جایز می شود، و گاهی هم واجب می شود. چنین افرادی را باید علنا بی آبرو کرد. اگر این افراد در میان مردم ساقط نشوند، امام زمان و اسلام را ساقط می کنند، پس آنها را باید ساقط کرد تا اسلام ساقط نشود.

در این موضوع در مجموعه کتب روایی سنی و شیعه (اعم از روایات معتبر السند و روایات ضعیف و مرسل) «یک روایت» بیشتر وجود ندارد و آن تک روایت، روایت داود بن سرحان از امام صادق (ع) به نقل از رسول الله (ص) است: «إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرِّيبِ وَالْبِدْعِ مِنْ بَعْدِي فَاطْهَرُوا الْبِرَاءَةَ مِنْهُمْ وَأَكْثَرُوا مِنْ سَبِّهِمْ وَالْقَوْلِ فِيهِمْ وَالْوَقِيعَةَ وَبَاهْتُوهُمْ كَيْلًا يَطْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ وَيَحْذَرُهُمُ النَّاسُ وَلَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ بَدْعِهِمْ يَكْتُبُ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ وَيَرْفَعُ لَكُمْ بِه الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ». (۲۷) ترجمه: هرگاه پس از من کسانی که در دین القای شبهه می کنند و بدعت می گذارند را دیدید، بیزاری خود را از آنان آشکار کنید، به آنها سخت دشنام دهید، درباره شان بدگویی کنید، لعنتشان نمایید، و به آنها بهتان بزنید، (۲۸) تا به فساد در اسلام طمع نکنند و مردم از آنها دوری نمایند، و بدعتهای آنان را یاد نگیرند، (که اگر این کارها را کردید) خداوند در برابر این کار برای شما ثواب می نویسد، و درجاتتان را در آخرت بالا می برد.

با اینکه ایشان به یاد نمی آورد که این روایت کجا نقل شده، اما عبارت «باهتوهم» روایت را نه تنها به یاد دارد، بلکه به جای «مبهوتشان کنید»، معنای «به آنها تهمت بزنید» را مفاد روایت دانسته است. ثانیاً با تصریح به اینکه تهمت از گناهان کبیره است، اما تهمت زدن به کسانی که در دین القای شبهه می کنند و بدعت می گذارند (که آخوندهای درباری از مصادیق چنین افرادی شمرده شده اند) گاهی جایز و گاهی واجب است. لازم به ذکر است که در مجموعه روایی شیعه بلکه اسلام روایت مذکور «روایتی منحصر بفرد» است (۲۹) و یقیناً هیچ روایت دیگری جز روایت داود سرحان نمی تواند منظور ایشان بوده باشد. علتی را که ایشان برای ساقط کردن آبروی آخوندهای درباری ذکر می کنند دقیقاً برگرفته از همین تک روایت است.

تهمت در حکومت اسلامی

بنابراین ایشان مفاد روایت داود بن سرحان را به خوبی به یاد داشته، هر چند محل ذکر آن (کافی، کتاب الایمان والکفر، باب مجالسة اهل المعاصی) را به خاطر نداشته است.

پنج. آخوندهای درباری نباید در رفت و آمد در محیطهای عمومی امنیت داشته باشند. آنها مجاز به استفاده از لباس روحانیت نیستند. مردم مؤمن خصوصا جوانان موظفند عمامه این آخوندهای درباری را در موقع مناسب از سرشان بردارند، تا نتوانند به مفاسدشان ادامه دهند. اگر خلع لباس آخوندهای درباری متوقف بر کتک زدنشان باشد، مجاز است، البته لازم نیست خیلی کتکشان بزنند تا بمیرند. ارزش کشتن ندارند. لباس روحانیت شریف است، نباید به تن چنین افرادی باشد.

در حقیقت در بند سه و چهار ایشان فتوای جواز غیبت و تهمت به آخوندهای درباری را صادر کرده و در بند پنج به خلع لباس و کتک زدن آنها حکم کرده است. مستند این حکم شرعی (بند پنجم)، فتوای مهدورالعرض بودن آخوندهای درباری (بند سوم و چهارم) است. ابتدا باید هدر بودن احترام و فقدان حرمت شرعی آنان اثبات شود، تا جواز کتک زدن و خلع لباس آنها امکان صدور داشته باشد. نوار کاست این درس در همان زمان (دهه سوم بهمن ۱۳۴۸) به ایران رسیده و توسط جوانان انقلابی موبه مو عمل شده، و در مواردی هم زیاده روی شده است! در بحثهای بعدی به مستندات این امر اشاره خواهم کرد. موضوع این تحقیق بند چهارم است: جواز یا وجوب تهمت به اهل ریبه و بدعت، که مصداق آن در زمان ایراد این سخنرانی آخوندهای درباری بوده است.

نتیجه بخش اول:

الف. قدیمی ترین سندی که به عنوان پیشینه برخورد با روحانیون وابسته قابل ذکر است به نیمه دوم سال ۱۳۴۶ یا اوایل فروردین ۱۳۴۷ بر می گردد. آقای خمینی در قدم اول محدودیتهای شدیدی برای شبکه روحانیونی که در شهرهای مختلف خصوصا تهران از وی اجازه یا وکالت داشتند تعیین می کند: «کسانی

تہمت در حکومت اسلامی

کہ از دستگاہ ظلم تأیید کردہ اند یا می کنند و بر خلاف شرع مطہر عمل می کنند، اگر اجازہای از این جانب دارند، از درجہ اعتبار ساقط است و مؤمنین بہ آنها و مومنین بہ آنها از وجوہ شرعیہ خصوصاً سہم مبارک امام (ع) ندهند.» آقای خمینی با تہدید صریح این دستہ از روحانیون بہ قطع رگ حیات اقتصادی شان بہ مؤمنان اعلام می کند بہ اینگونہ روحانیون وجوہات شرعیہ ندهند. با عدم مراجعہ مؤمنان بازار این گروہ روحانیون وابستہ کساد می شدہ است. بر خلاف تبلیغات شاہنشاهی و نیز اظهارات آقای خمینی اکثریت قریب بہ اتفاق روحانیت شیعیہ - حداقل در آن زمان - اہل سکوت و انفعال سیاسی بودند. لذا قاعدہ نہ با روحانیون وابستہ بود نہ با روحانیون مبارز. ہر دو گروہ استثنا بودند. نظام شاہنشاهی می کوشید تا استثناہای روحانیون وابستہ را بہ قاعدہ تبدیل کند یا حداقل اینگونہ نمایش دہد. آقای خمینی ہم می کوشید تا استثنای روحانیون مبارز را بہ قاعدہ تبدیل کردہ و تعمیم و بہ کل روحانیت تسری دہد.

ب. آقای خمینی در حین تدریس خارج فقہ در مبحث بیع و مکاسب بہ ولایت فقیہ رسید. تناسب بحث ولایت فقیہ با مکاسب در نیاز بہ ولیّ شرعی است، افرادی کہ خود صلاحیت تصدی امور خود را ندارند از قبیل افراد صغیر، مجنون و غیررشید و بطور کلی افراد محجور. محجوریت و قیمومت می تواند در حوزہ خصوصی یا حوزہ عمومی باشد. ولایت فقیہ با محجوریت عوام در حوزہ عمومی تلازم دارد.

پ. دروس حکومت اسلامی با اذن بلکہ برنامہ ریزی آقای خمینی توسط اعضای دفترش ضبط شدہ تا امکان تکثیر و توزیع داشتہ باشد، برخلاف دیگر مباحث کتاب بیع کہ ایشان اجازہ ضبط ندادہ بود.

ت. با اینکہ آقای خمینی فایل دروس دو سال آخرش را بعد از ویرایش شخصی اجازہ تکثیر می داد، ہیچ مدرکی دال بر ویرایش فایل صوتی دروس ولایت فقیہ در دست نیست. پس فایل صوتی این دروس در آن زمان ویراستاری شدہ و ایشان نیازی بہ ویرایش آنها نمی دیدہ است.

تهمت در حکومت اسلامی

ث. هزینه تکثیر و توزیع فایل‌های صوتی دروس حکومت اسلامی از سوی آقای خمینی پرداخت می‌شده است. این تکثیر و توزیع با اشراف عالی ایشان و با نظارت مصطفی خمینی توسط طلاب جوان عضو دفتر ایشان صورت می‌گرفته است. اگر ایشان با محتوای دروس القا شده خود موافق نبود قطعاً تذکر می‌داد و از تکثیر و توزیع آن ممانعت به عمل می‌آورد. نوار صوتی دوازده درس حکومت اسلامی در نجف تکثیر شده و از نجف به ایران و خارج از ایران ارسال شده است. در هفته آخر بهمن ۱۳۴۸ نوارهای صوتی دروس دوازده‌گانه ولایت فقیه به ایران رسیده و در اسفند همان سال به بعد در شهرستانهای مختلف بازتکثیر و توزیع شده است.

ج. فایل صوتی یازده جلسه از درسهای ولایت فقیه در خرداد تا مرداد ۱۳۸۹ از رادیو معارف صدای جمهوری اسلامی ایران پخش شده است. تاریخ پخش درس هفتم روزهای سوم و پنجم تیر ۱۳۸۹ بوده است. متن پخش شده ۴۱ دقیقه و ۱۵ ثانیه از این درس است و پنج دقیقه آخر پخش شده از رادیو معارف مطمئناً ناقص است، بی آن که کمترین توضیحی برای سانسور صدای بنیانگذار جمهوری اسلامی آن هم از نظریه رسمی کشور ارائه شده باشد. قطعه ای از اواخر درس به طول دو دقیقه و ۲۲ ثانیه به عنوان سخنرانی غیر قابل پخش امام خمینی در نجف یک سال بعد در یوتیوب نصب شده است!

چ. سانسورکنندگان فایل صوتی پخش شده از رادیو معارف فرمان کتک زدن آخوندهای درباری و برداشتن عمامه آنها را از سوی آقای خمینی مجاز به پخش ندانسته اند، اما در پخش جواز بلکه وجوب تهمت به همان افراد از صدای جمهوری اسلامی هیچ اشکالی ندیده اند! انتساب آنچه در این دو فایل در دست است به آقای خمینی یقینی است. قطعه مرتبط با جواز تهمت که در هر دو فایل صوتی مشترک است یقیناً و قطعاً بیانات ایشان است. دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی تا کنون متن کامل و بدون سانسور این درسها خصوصاً درس هفتم را منتشر نکرده است. چرا؟!!

تهمت در حکومت اسلامی

ح. بر اساس فایل صوتی موجود، آقای خمینی در جلسه هفتم درس ولایت فقیه خود در نجف مورخ ۱۱ بهمن ۱۳۴۸ بعد از بحث در مفاد روایت «الفقهاء أمناء الرسل» به مصیبت آخوندهای درباری برای اسلام پرداخته، و مردم را از اینگونه افراد برحذر داشته است چرا که آنان دین مردم را از بین می برند. سپس ارتکازا به تشریح نکته کلیدی روایت داود بن سرحان که جایش را به یاد نیاورده (بدون خواندن متن عربی و ذکر راوی) پرداخته: جواز بلکه وجوب تهمت به اینگونه افراد، تهمتی که از گناهان کبیره است. اگر آبروی این افراد علنا ساقط نشود آنها امام زمان و اسلام را ساقط می کنند، پس باید آبرویشان را در میان مردم برد و ساقطشان کرد تا اسلام ساقط نشود.

خ. مستند حکم شرعی خلع لباس و کتک زدن آخوندهای درباری، فتوای مهدورالعرض بودن ایشان (یعنی جواز غیبت و تهمت آنها) است. ابتدا باید هدر بودن احترام و حرمت شرعی نداشتن آنان اثبات شود، تا جواز کتک زدن و خلع لباس آنها امکان صدور داشته باشد.

قسمت بعدی: بخش دوم. نخستین متن کتبی حکومت اسلامی یا ولایت فقیه؛ بخش سوم. قرائت در رادیو فارسی عراق و پلی کپی در تهران (به زودی)



۱. سید علی اکبر محتشمی پور، خاطرات سیاسی، جلد دوم، تهران: خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۸، ص ۳۴.
۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۷۴-۱۷۵؛ محتشمی پور، پیشین، ج ۲، ص ۳۴-۳۵ و ص ۳۴۸: سند شماره ۴. «در کتاب هفت هزار روز، ج ۱، ص ۳۳۱، پاسخ امام خمینی در ذیل تاریخ اوایل فروردین ۱۳۴۷ درج شده است و در صحیفه نور (دوره قدیم)، ج ۱، ص ۱۴۱، و (دوره جدید)، ج ۱، ص ۲۴۰، بدون تاریخ و در محدوده اسناد مندرج در تاریخ شهریور ۱۳۴۶ درج شده است. (صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۷۴، پاورقی)

تہمت در حکومت اسلامی

۳. وکلای امام [خمینی] در تهران: سید محمد صادق لواسانی، مسجد بازارچه نایب السلطنه؛ سید محمد رضا غروی، مسجد گلشن؛ علی اصغر ہرنندی، مسجد دروازه غار. در قم: اسلامی، شہاب الدین اشراقی، صادق طہرانی ... و بالاخرہ وکیل تام الاختیار مرتضی پسندیدہ برادر ایشان؛ در پاکستان شریعت؛ در افغانستان، ہندوستان، کویت، بحرین و ... (محتشمی پور، پیشین، ج ۲، ص ۶۷-۶۸)
۴. درباره آثار علمی آقای خمینی نخستین بار در مقالہ زیر تحقیق کردم: معرف اصلی مرجعیت آقای خمینی (۲۲ دی ۱۳۹۴)
۵. کتاب البیع، تہران: موسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۱۵-۶۷۱.
۶. خاطرات حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی پور، تدوین فرامرز شجاع حسینی و رحیم روح بخش، تہران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳-۱۴۲.
۷. بنگرید بہ کتاب حکومت ولایتی، بہ ہمین قلم، (تہران: نشر نی، ۱۳۸۷)، فصل ہفتم: ولایت شرعی فقیہ، ص ۱۲۷-۱۰۰.
۸. «ضبط درس های امام: برای ضبط درسهای امام ضبط صوتی گرفته بودم که هم آمپلی فایر بود و هم ضبط می کرد. دو بلندگو بہ ستون های مسجد وصل کردیم و میکروفون آن را ہم جلوی منبر گذاشتیم، می خواستیم کہ ہم پخش شود و ہم ضبط. بہ آقای محتشمی پور ہم گفتم حواستان باشد. امام وقتی کہ درس را شروع می کرد اول درس خیلی آرام صحبت می کرد و چون مسجد بزرگ بود جمعیت انبوه معمولاً از نشنیدن صدا گلہ داشتند. روش امام ہم این بود کہ وقتی برای درس تشریف می آورد اول چند دقیقه پای منبر می نشست و بعد بالای منبر می رفت و درس را شروع می کرد. وقتی پای منبر نشست میکروفون را دید کہ پای منبر گذاشته شدہ بہ من فرمود: این چپہ؟ عرض کردم کہ آقایان صدا را نمی شنوند این را گذاشته ایم کہ ہمہ بشنوند. فرمود: ہر کس کہ نمی شنود بیاید جلو. آقای محتشمی عرض کرد آقا؛ ما ہم کہ جلو ہستیم صدا را نمی شنویم. امام سکوت کرد و ما نیز سکوت امام را دال بر رضا گرفتیم. از آن روز شروع بہ ضبط درس ہا نمودیم. بعد بہ تدریج آمپلی فایر و ضبط را جداگانہ گرفتیم و دستگاہ ہا را ہم معمولاً زیر منبر کار می گذاشتیم. این نوارہا شامل درس های خلل الصلوٰۃ بود کہ حدود ۸۵ یا ۸۶ نوار است.» (خاطرات آیت اللہ محمد رضا رحمت، در کتاب خاطرات سالہای نجف، تہران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد دوم، ص ۳۵)
۹. سید علی اکبر محتشمی پور، خاطرات سیاسی، جلد دوم، تہران: خانہ اندیشہ جوان، ۱۳۷۸، ص ۵۴.
۱۰. پیشین، ج ۲، ص ۷۵.
۱۱. امام در نجف، گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی، فصلنامہ مطالعات تاریخی، متعلق بہ مؤسسہ مطالعات و پژوهشہای سیاسی، شمارہ ۱۱، ویژه نامہ ۲۲ بہمن، تہران: ۱۳۸۴، ص ۲۲.
۱۲. خاطرات حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی پور، تدوین فرامرز شجاع حسینی و رحیم روح بخش، تہران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۹.
۱۳. خاطرات آیت اللہ محمد رضا رحمت، در کتاب خاطرات سالہای نجف، تہران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد دوم، ص ۳۳.

۱۴. «ایشان از دو ساعت به ظهر می آمدند در مسجد شیخ انصاری معروف به مسجد ترکها در بازار که نزدیک منزلشان بود برای تدریس و یک ساعت به ظهر برمی گشتند.» (امام در نجف، گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی، فصلنامه مطالعات تاریخی، متعلق به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، شماره ۱۱، ویژه نامه ۲۲ بهمن، تهران: ۱۳۸۴، ص ۱۴)
۱۵. خاطرات آیت الله محمد رضا رحمت، در کتاب خاطرات سالهای نجف، تهران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد دوم، ص ۳۵.
۱۶. خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی پور، تدوین فرامرز شجاع حسینی و رحیم روح بخش، تهران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳.
۱۷. احمد اسفندیاری، مدیر روابط عمومی رادیو معارف، در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری رسا: برای نخستین بار پخش درس خارج امام خمینی از رادیو معارف، ۲۶ دی ۱۳۸۶.
۱۸. حجت‌الاسلام محمد لطفی نیاسر مدیر رادیو معارف در گفتگو با خبرنگاران: توسط رادیو معارف بزرگترین مجموعه صوتی و متنی سخنان امام و رهبری گردآوری شد، قم، خبرگزاری مهر، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۹.
۱۹. حجت‌الاسلام سعید طالبی نیا مدیر گروه فقه و سیره رادیو معارف: پخش مبحث ولایت فقیه حضرت امام خمینی (ره) از شبکه معارف، ایسنا، ۱۲ خرداد ۱۳۸۹.
۲۰. برای استماع این یازده جلسه مراجعه کنید به وبسایت گفتگوی دینی: ولایت فقیه - فایل صوتی دروس خارج فقه از امام خمینی رحمه الله علیه، تاریخ مراجعه ۲۵ آذر ۱۳۹۷. در وبسایت رادیو معارف چیزی در این زمینه یافت نشد.
۲۱. وبسایت راسخون، تاریخ مراجعه ۲۵ آذر ۱۳۹۷.
۲۲. یوتیوب، چشم انتظارم: سخنرانی غیر قابل پخش امام خمینی در نجف، ۲۱ تیر ۱۳۹۰.
۲۳. متن کتبی ویرایش نشده «و خدا می داند که از اول اسلام تا حالا از این علمای سوئی که بودند چه مصیبتها بر اسلام وارد شده؛ ابوهیریه یکی از فقهاست، یکی از فقهاست، لکن همین مرد چقدر مصیبت بر اسلام به واسطه همین مرد وارد شد، و چقدر احکام را برای خاطر معاویه و امثال معاویه این آدم به هم زد. یک عمامه سرش گذاشته و امثال ذلک، یا فرض کنید چهارتا کلمه هم اینجا یا جای دیگر خوانده و رفته است. اینها بگویند که وضعیت اسلام را به هم زدند و می زنند و لکه دار می کنند. اینها در این روایت است که از دینتان به اینها بترسید، بترسید از دینتان از این افراد، اینها دین را از بین می برند. اینهاست که جایز است غیبتشان در یک روایتی است، در بعضی [روایات] هست که من الآن یادم نیست کجاست که تهمت هم به آنها [جایز است]. این تهمتی که از گناهان کبیره است، در یک همچو مواردی گاهی وقتها جایز می شود، گاهی وقتها هم واجب می شود؛ که این آخوند اگر آبرو داشته باشد، ساقط بشود در جمعیت. اگر این [آخوند] ساقط نشود در جمعیت، امام زمان را ساقط می کند، اسلام را ساقط می کند. اینها را باید ساقطش کرد. اینها جوانهای ما باید عمامه‌شان را بردارند. من نمی دانم مرده اند این جوانهای ما در ایران؟ این عمامه اینها را باید بردارند. من نمی گویم بکشندش! قابل کشتن نیست، عمامه‌اش را بردارند توی کوچه‌ها. چرا مرده اند این جوانهای ما؟ ما که بودیم این جور نبود. امثال اینهایی که به اسلام اینجور لطمه‌ها دارند وارد می کنند، به اسم فقهای اسلام، به اسم علمای اسلام، دارند اینجور مفسده‌ها را در جوامع ما ایجاد می کنند، اینها را مردم موظفند،

تهمت در حکومت اسلامی

جوانهای غیور ما موظفند که اینها را کتکشان، لازم نیست خیلی بزنند، لکن خوب عمامه را بردارند، نگذارند اینها معمم بیایند توی مردم. اینها را عمامه شان را بردارند، نگذارند بیایند. این لباس، شریف است؛ نباید تن هر کسی باشد.» (۳۲۲ کلمه)

۲۴. «اشکال سر آنهایی است که همینطور همینطوری برای خودشان را می بازند یک عمامه ای سرشان گذاشته و امثال ذلک یا فرض کنید چهار تا کلمه هم آمده اینجا یا جای دیگر خوانده و رفته است، اینها ایند که وضعیت اسلام را به هم زدند و می زنند و لکه دار می کنند. اینها در این روایت است که از دینتان به اینها بترسید، بترسید از دینتان از این افراد، اینها دین را از بین می برند. اینهاست که جایز است غیبتشان در یک روایتی است، در بعضی هست که من الآن یادم نیست کجاست که تهمت هم به آنها [جایز است]، این تهمتی که از گناهان کبیره است، در یک همچو مواردی گاهی وقتها جایز می شود، گاهی وقتها هم واجب می شود.» (۱۲۳ کلمه)

۲۵. کلینی، الأصول من الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۶.

۲۶. المکاسب المحرمه؛ تهران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۴۲۶-۴۱۵.

۲۷. کلینی، الأصول من الکافی، کتاب الایمان والکفر، باب مجالسة اهل المعاصی، حدیث ۴، ج ۲، ص ۳۷۵.

۲۸. مطابق برداشت آقای خمینی ترجمه کردم.

۲۹. مستندات این ادعا در بخش سوم به تفصیل ارائه خواهد شد.

۱۴ بهمن ۱۳۹۷



kadivar.mohsen59@gmail.com

<https://kadivar.com/?p=16880>

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.